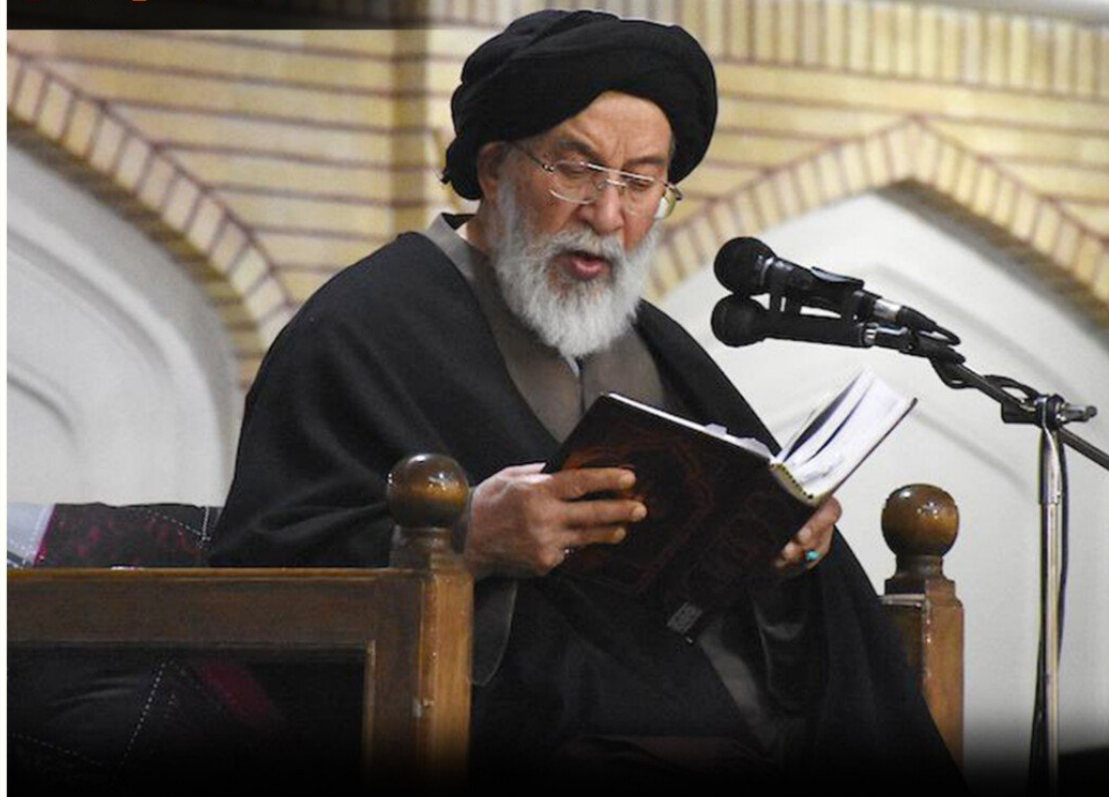


علامه سید جعفر سیدان



خاطره‌ای از آیت الله سیدان در مبلغ کم پاکت منبر

خاطره‌ای از آیت‌الله سیدان در مبلغ کم پاکت منبر

یک آقای بود، خانه‌اش هم ویرانه خانه‌ای بود و یک مغازه‌ی مختصر عطاری سر خانه‌اش داشت و نان می‌داد و صبحانه بود، عرضم به حضور شما که وضع درستی نداشت.

این وقتی منبر تموم شده بود، روز آخر یک خجالتی هم دارد این... شما هم نشنیده بگیرید، هر زمان که، وقتی که منبر تموم شد، باز در همان کوچه‌ها منبر دوم بود، صبح هم بود و خلوت بود دیگر؛ منبر دوم بود و گفتم ببینم چی داده، پاکتی که داد، نگاه کردم دیدم که نصف آن چیزی که حد من هست [داده]، گفتم خب نمی‌داند من منبری مشهور شهر هستم، حد من این نیست، یک نَقی زدم به خودم! تا این نَق را زدم، خدا لطف کرد که تو خجالت نمی‌کشی! هم پر پول هستی اکنون آخر منبر، و هم این برای جدّ تو روضه گرفته، تو می‌گویی کم و زیاد می‌کند؟ خجالت نمی‌کشی؟! ای بی‌شرف!!.. دیگر شروع کردم بی‌شرف، دیگه غلط کردی، این حرف‌ها را به خودم گفتم!

گفتم خجالت نمی‌کشی؟!

این برای جدّ تو روضه گرفته، تو می‌گویی کمه و فلان؟!

این حرف‌ها چیست می‌زنی؟ ای بی‌شرف، باز دوباره...

تا در مجلس دوم که می‌خواستم برسم، به خودم فحش دادم!

همان در مجلس گفتم، دوباره یک نگاهی [به پاکت] کردم، به جان خودم

دیدم همان مقداری که فکر می‌کردم کم هست روی پول‌ها بود!!

و بعد این‌هم یک گوش‌مالی گرفتم، اگر پول می‌خواهی، صحبت پولت

هست، با پول می‌خواهی عوض کنی...

به همان مقداری که فکر کردم کم گذاشته، به همان مقدار دیدم داخل

پاکت است!...



@aparat.com/be
_sooye_zohoor



v_bagherpour_
kashani



@seratehagh1



besouyezohour



bagherpour-
kashani.com/



@serat12k



youtube.
com/c/seratehagh



https:
//naakhodaa.ir